

جغرافیا و توسعه شماره ۳۰ بهار ۱۳۹۲

وصول مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۳

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۵/۱۳

صفحات: ۷۱-۸۶

تحلیل شاخص‌های توسعه و سطح‌بندی دهستان‌های استان یزد

دکتر صفر قائد رحمتی^۱، دکتر رضا مستوفی‌الممالکی^۲، مهدی براری^۳

چکیده

در کشورهای جهان سوم وجود انواع دوگانگی‌های نامطلوب نظیر؛ دوگانگی منطقه‌ای به دلایل متعددی در مسیر توسعه‌یافتگی آنها مشکلاتی ایجاد می‌کند. این نابرابری در مناطق روستایی وضعیت حادتری دارد. به همین خاطر نخستین قدم در برنامه‌ریزی، خصوصاً در برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی شناخت صحیح از وضعیت فعلی مناطق روستایی است. این پژوهش با علم به این موضوع و در راستای برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در استان یزد انجام گردیده است.

نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای بوده و اطلاعات لازم به وسیله مطالعات اسنادی جمع‌آوری شده‌اند و با استفاده از روش تحلیل عاملی، وضعیت ۵۱ دهستان استان یزد بر اساس شاخص‌های زیربنایی، فرهنگی، ورزشی، آموزشی، اقتصادی و جمعیتی مطالعه شده است. تعداد ۳۹ متغیر که در پنج عامل خلاصه شده‌اند و سپس سطح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی تعیین گردیده است و در آخر با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی، نقشه‌ی مورد نیاز برای تحلیل این سطوح در دهستان‌های مورد مطالعه تهیه گردیده است.

جامعه‌ی آماری این تحقیق را مناطق روستایی استان یزد بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی سال ۱۳۸۵ تشکیل می‌دهد. بر اساس نتایج این تحقیق دهستان‌های استان یزد از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی از تعادل متناسبی برخوردار نیستند به طوری که ۸۰/۴ درصد دهستان‌ها در گروه‌های ۶، ۷، ۸ و ۹، و فقط ۱۹/۶ درصد دهستان‌ها در ۵ گروه اول قرار دارند. در بین این دهستان‌ها، دهستان‌های شیرکوه، میانکوه و فجر دارای بیشترین سطح توسعه‌یافتگی هستند که در گروه یک قرار دارند و دهستان‌های دستگردان، فراغه، مهرآباد، بهادران، اسفندار و چلگه دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی هستند و در گروه ۹ جای می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: شاخص‌های توسعه، توسعه‌ی روستایی، توسعه‌نیافتگی.

safarrahmati@yazduni.ac.ir

r_ostooofi@yazduni.ac.ir

m.barari@yazduni.ac.ir

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد (نویسنده مسؤول)

۲- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد

مقدمه

توسعه تنها یک فرایند اقتصادی نیست، بلکه فرایندی چندبُعدی است که شامل سازماندهی مجدد و جهت‌دهی اقتصاد و سیستم‌های اجتماعی است. همچنین به دنبال افزایش درآمد و بازدهی جامعه است. توسعه اصولاً شامل تغییرات بنیادی در ساختارهای سازمان‌ها، جوامع و مدیریت‌هاست. به همان نحو تغییرات در دیدگاه مردم و در برخی موارد سنت‌ها و عقاید نیز هست (Streeten, 1999: 56). توسعه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به خاطر نابرابری و فقر در جوامع بیشتر مورد توجه قرار گرفت و زمینه‌ی ظهور اقتصاددانان توسعه را برای ارائه‌ی نظرات و الگوهای گوناگون فراهم کرد (قاسمی، ۱۳۷۱: ۱) و تا قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰ توسعه‌ی اقتصادی برحسب درآمد سرانه، با این پیش فرض که با بالا رفتن درآمد سرانه‌ی وضع مردم در تمام جوانب بهبود خواهد یافت، ارزیابی می‌شد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸۵)، به همین خاطر محققان با بهره‌گیری از اطلاعات و روش‌های کمی که عمدتاً ماهیتی اقتصادی داشت موفق به تبیین میزان توسعه در سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محله‌ای نگردیدند (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۸۰: ۱۵۲) مخالفت‌ها با این تلقی از توسعه در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ به اوج خود رسید. بنابراین هدف اصلی توسعه باید ایجاد یک الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد، باشد. البته با تأکیدی خاص بر تسریع رشد درآمد گروه‌های بسیار فقیر (تودارو، ۱۳۶۴: ۲۳۵). در این راستا شناخت و تشخیص وضع موجود و تجزیه و تحلیل تنگناها و محدودیت‌ها، امکانات و قابلیت‌های و درک کم و کیف نیازها و اولویت‌های مربوط به آنها می‌تواند برنامه‌ریزان را در تدوین برنامه‌های مناسب و کارآمد یاری دهد (رضوانی، ۱۳۸۱: ۴۶۰). در کشورهای جهان سوم وجود انواع دوگانگی‌های نامطلوب نظیر دوگانگی منطقه‌ای به دلایل متعددی در

مسیر توسعه‌یافتگی آنها مشکلاتی ایجاد می‌کند (سرخ کمال، ۱۳۷۸: ۱-۲) و علمای توسعه این شکاف عظیم درآمدی بین طبقات پایین و بالای جامعه در کشورهای در حال توسعه را نه تنها به عنوان یک مزیت اقتصادی نمی‌دانند، بلکه آن را مانعی بر سر راه رشد و توسعه‌ی نابرابری‌های منطقه‌ای، حاصل و برآیند عدم تعادل در ابعاد منطقه‌ای (بین فضاهای حاشیه‌ای و قطب‌های توسعه) ، اقتصادی (بین بخش سنتی و نوین اقتصاد و بین تولید و مصرف) و بخشی (بین بخش‌های کشاورزی و صنعت و...) است (معصومی، ۱۳۷۰: ۴۹) و تا زمانی که این نابرابری‌های منطقه‌ای وجود دارد، برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز اجتناب‌ناپذیر است (زیاری، ۱۳۸۵: ۹۱). این نابرابری در مناطق روستایی وضعیت حادتری دارد. در کشور ایران علی‌رغم تلاش‌های انجام شده، تا رسیدن این مناطق به سطح مطلوب توسعه که مهم‌ترین اثر آن را به وضوح می‌توان در میزان مهاجرت مشاهده کرد، راه زیادی باقی‌مانده است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۲: ۹۴)، زیرا توسعه‌ی روستایی صرفاً به معنای توسعه‌ی کشاورزی و یا رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول و سرمایه به مناطق روستایی بتوان در جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی مردم آن اقدام نمود، بلکه طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون و گسترده‌ی انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌ها قادر می‌سازد. این استراتژی در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش خود هستند (آسایش، ۱۳۷۵: ۱۸-۱۰). بنابراین توسعه‌ی روستایی تأمین زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی، ارائه‌ی خدمات مالی در مناطق غیرشهری و مدیریت منابع طبیعی است (Barrios, 2008: 4) که مسؤولیت-پذیری، اولویت‌ها و انتخاب از جنبه‌های اساسی آن به شمار می‌روند (Douglas, 2005: 231) و بهینه‌سازی

نیروی انسانی عامل اصلی بروز نابرابری‌های منطقه‌ای است. ژانگ^۳ (۲۰۰۴) نقش سرمایه‌گذاری عمومی را در نابرابری‌های روستایی در چین بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که اجرای انواع سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه‌ی غربی چین که کم‌تر توسعه‌یافته است، باعث کاهش نابرابری منطقه‌ای می‌شود و از طرف دیگر باید مراقب سرمایه‌گذاری اضافی در مناطق روستایی ساحلی و مرکزی چین بود چراکه هرگونه سرمایه‌گذاری اضافی در این مناطق باعث افزایش نابرابری منطقه‌ای خواهد شد. اولریچ^۴ (۲۰۰۳) به بررسی نحوه‌ی تأثیر نابرابری‌های منطقه‌ای در رشد و توسعه‌ی ملی کشور چین به فاصله‌ی زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۰ پرداخته است. نتایج نشان داد که روند تغییرات نابرابری‌های سطح توسعه‌ی مناطق مختلف، رابطه‌ای منفی و معنی‌دار با روند تغییرات سطح توسعه‌ی ملی داشته است.

نوربخش (۲۰۰۳)، به بررسی تفاوت‌های منطقه‌ها و همگرایی بین ایالت‌های هند پرداخته است. وی با استفاده از روش تحلیل‌عاملی، از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی برای به دست آوردن یک شاخص ترکیبی استفاده نموده و مناطق مورد مطالعه را با توجه به آن رتبه‌بندی کرده است. وی برای تعیین وزن و درجه اهمیت شاخص‌ها از روش‌های تحلیل مؤلفه‌های اصلی، ضریب نابرابری و ترکیبی از آنها استفاده نموده است، سپس با تحلیل رگرسیون بین سه شاخص به دست آمده و شاخص توسعه‌ی انسانی به آزمون نتایج پرداخته و در انتها ایالت‌های هند را بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی مورد مطالعه رتبه‌بندی نموده است. باهاتیا و رای^۵ (۲۰۰۴) با استفاده از ۲۳ شاخص به کمک روش‌های تحلیل‌عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند در سال ۲۰۰۱ پرداخته‌اند.

تولید مواد غذایی، تأمین سوخت و خدمات، حفظ محیط زیست؛ از جمله تأمین آب و دفع فاضلاب‌ها می‌تواند از اهداف برنامه‌ریزی آن باشد
(J.Adinarayana, S.Azmi, G.Tewari, D.Sudharsan, , 2008: 130)

استان یزد یکی از استان‌های نواحی مرکزی ایران است که بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ حدود ۲۰/۳ درصد از جمعیت آن در نواحی روستایی زندگی می‌کنند که نسبت به سال ۱۳۷۵، جمعیت این نواحی ۴/۳ درصد کاهش یافته است که جهت جلوگیری از این روند امر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در این استان ضروری است و بدون شناخت واقعی جایگاه مناطق روستایی در کل استان برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی نافرجام خواهد بود (پایگاه/ اینترنتی/ استان/ ری یزد، ۱۳۸۵). اهداف پژوهش شامل بررسی میزان توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان یزد و طبقه‌بندی مناطق روستایی استان از نظر توسعه‌یافتگی می‌باشد.

سابقه‌ی پژوهش و نتایج آنها

در مورد توسعه‌یافتگی مناطق، تحقیقات زیادی در سطح جهان و ایران انجام شده است که ابتدا به برخی مطالعات به عمل آمده در سطح جهان و سپس ایران اشاره می‌شود. الحسن^۱ (۲۰۰۷) به بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور غنا در دوره‌ی ۲۰۰۰-۱۹۹۰ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که رشد اقتصادی طی دوره‌ی مذکور منجر به کاهش فقر عمومی در کشور شده، اما از آنجا که این رشد عمدتاً ناشی از صادرات کشاورزی بوده، شکاف توسعه‌ی مناطق شمالی، که توان رقابت در عرصه‌ی کشاورزی نداشته‌اند، با مناطق جنوبی بیشتر شده است. مطالعه‌ی شاراما^۲ (۲۰۰۴) در مناطق مختلف ایالت برهما پرتوای هند نشان داد که تفاوت در بهره‌وری

3-Zhang
4-Ulrich
5-Bhatia, V.K. & S.C. Rai

1-Al-Hassan
2-Sharama

بر پایه‌ی نتایج به دست آمده، ۵۶ بلوک توسعه‌یافته، ۱۵۶ بلوک نسبتاً توسعه‌یافته، ۱۱۶ بلوک کمتر توسعه‌یافته و ۵۲ بلوک توسعه‌نیافته معرفی شده‌اند. در پایان تحقیق، علل توسعه‌نیافتگی مناطق شناسایی شده و پیشنهادهایی برای توسعه‌ی این مناطق ارائه گردیده است. جو و همکارانش^۱ (۲۰۰۱) یک روش برای طبقه‌بندی مناطق مختلف کشور بلژیک به منظور حمایت از سیاست توسعه‌ی منطقه‌ای ارائه داده‌اند. این رتبه‌بندی با استفاده از تکنیک‌های آماری چندمتغیره، تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای و با استفاده از ۳۳ شاخص اقتصادی، بهداشتی، آموزشی و فرهنگی انجام شده است. نتایج تحقیق، صحت رتبه‌بندی مناطق را از لحاظ درجه‌ی توسعه‌یافتگی مورد تأیید قرار داده است (مولایی، ۱۳۸۷: ۷۵). مطالعات انجام شده در زمینه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه، مناطق مرزی از مناطق داخلی کشور توسعه نیافته‌ترند (امینی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۹). کلانتری (۱۹۹۸) در پژوهشی راجع به شناسایی مناطق عقب‌مانده در ایران به این نتیجه رسیده است که مطابق نظریه‌ی مرکز-پیرامون، نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کرده و باعث رشد و توسعه‌ی خود شده‌اند و هر چقدر از مرکز به طرف حاشیه می‌رویم از شدت توسعه کاسته می‌شود.

کلانتری و همکاران (۱۳۸۱) در تحقیقی دیگر راجع به سنجش سطح توسعه‌ی روستایی در شهرستان تربت‌حیدریه ۱۳۷۹-۱۳۶۵ به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه شکاف و نابرابری بین مناطق روستایی شهرستان از نظر دسترسی به امکانات مختلف در طول دوره‌ی زمانی ۱۳۷۹-۱۳۶۵ کاهش یافته است، اما نقاط روستایی این شهرستان هنوز برای دستیابی به توسعه‌ی متوازن، یکپارچه و پایدار راه طولانی در پیش رو دارند.

افتخاری و آقایی (۱۳۸۶)، در پژوهشی با بهره‌گیری از فنون بارومتری و تحلیل‌های فضایی به سطح‌بندی پایداری توسعه‌ی روستایی پرداخته‌اند.

نتایج این تحقیق از وضعیت نامطلوب پایداری در این بخش حکایت دارد. زیاری و جلالیان (۱۳۸۷)، برای مقایسه‌ی شهرستان‌های استان فارس، با استفاده از ۴۰ شاخص ترکیبی توسعه‌ی انسانی، به طبقه‌بندی آنها در قالب یک شهرستان برخوردار، چهار شهرستان نیمه‌برخوردار و ده شهرستان محروم پرداخته و شدت نابرابری آنها را طی سه دهه‌ی ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۵۹ و ۰/۴۴ محاسبه کرده‌اند.

نظریه‌های مربوط به پژوهش

در خصوص تحلیل و تبیین توسعه و توسعه‌نیافتگی نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه‌های اقتصادی رشد و توسعه^۲، نظریه‌ی جامعه‌شناختی نوسازی^۳، نظریه‌های

اقتصاددانان نئوکلاسیک، رشد و توسعه‌ی ناحیه‌ای را تحت تأثیر دو عامل مکانیسم تعادل و جابجایی می‌دانند که جریان آزاد منابع بین نواحی در یک سرزمین و یا کشور در بلندمدت، نوعی تعادل بین ناحیه‌ای را به وجود می‌آورد.

نئوکینرها آن را وابسته به صادرات می‌دانند، به طوری که با تقسیم اقتصاد ناحیه به دو بخش پایه و غیرپایه، توسعه‌ی نواحی را ناشی از بخش پایه دانسته و معتقدند که سایر فعالیت‌ها زاییده رشد و فعالیت‌های بخش پایه است (قره‌باغیان، ۱۳۷۵: ۳۶۹-۳۶۴). با نگاهی به نظریات اندیشمندان خارجی در مورد نابرابری‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، "میردال"^۶ علل نابرابری‌های ناحیه‌ای را ناشی از عوامل خارجی می‌داند که به دلیل انگیزه‌ی سودجویی شکل گرفته است و برتری اولیه و زمینه‌های تاریخی نواحی آن را شدت می‌دهد. "فرانسوا پرو"^۷ نحوه‌ی نگرش به توسعه را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله‌ی اول با سرمایه‌گذاری کلان صنعتی در نواحی بزرگ و اگرایی و نابرابری ایجاد می‌شود و در مرحله‌ی دوم با انتشار تدریجی توسعه به سایر نواحی همگرایی و برابری ایجاد می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۲: ۷۷). جان فریدمن^۸ در سال ۱۹۷۵ با ارائه‌ی نظریه "مرکز - پیرامون" مرکز به‌عنوان منشأ توسعه دانسته که با زایش توسعه در مرکز به پیرامون جریان می‌یابد (Clark, 2000: 9)، مطابق این نظریه، دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از مرکز (به عنوان کانون قدرت سلطه) و پیرامون (به عنوان جزء وابسته به کانون مرکزی)؛ همچنین طبق این نظریه، رابطه‌ی مرکز با پیرامون یک رابطه‌ی استعماری بوده و سازمان اقتصادی ملی دارای فرایندی است که از چهار مرحله تشکیل شده است: مرحله‌ی پیش صنعتی، مرحله‌ی انتقالی، مرحله‌ی صنعتی و مرحله‌ی فراصنعتی.

مارکسیست و نئومارکسیست^۱، پسا ساختارگرایی^۲، پسا توسعه‌گرایی^۳، پسا استعمارگرایی^۴ و همچنین نظریه‌ی توسعه‌ی طرفداری از حقوق زنان^۵ وجود دارد که در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازند. نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نئوکلاسیک از مشهورترین نظریه‌ها در این زمینه هستند. اخیراً نیز رویکردهای نوینی در این زمینه مانند نقش جنبش‌های محلی، نقش و اهمیت سازمان‌های غیردولتی، موضوعات جنسیتی، عدالت و دموکراسی و مهم‌تر از همه محیط زیست و روابط محلی ارائه گردیده است. تغییر گرایشی نیز از نظریه‌های بزرگ مقیاس به تحلیل‌های در مقیاس‌های متوسط و یا کوچک در فرایند توسعه‌ی وجود دارد. برخی محققین رویکرد توسعه از پایین و رویکرد نیازهای اساسی را مورد تأکید قرار داده‌اند. رویکردی بر فقرزدایی و محو آن متمرکز است که در آن مردم بیش از مکان‌ها مورد تأکید قرار دارند. همچنین نظریه‌ی نوینی در مورد رشد مطرح شده که رشد درونزا را بیش از رشد برونزا مورد تأکید قرار می‌دهد (رضوانی، ۱۳۸۲: ۷۸).

مطالعه‌ی هر یک از این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که هدف هر یک از آن‌ها بررسی و تحلیل عواملی است که در ایجاد و شکل‌گیری نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های موجود در کشورها و مناطق مختلف مؤثرند. به‌رغم نقش بسیار مهمی که وجود خدمات و تسهیلات زیرساختی در بهبود توسعه‌ی نواحی روستایی ایفا می‌کنند (رکن‌الدین/فتخاری و ابزیدی خرامه، ۱۳۸۰: ۳۲)، اندیشمندان و صاحب‌نظران امر برنامه‌ریزی توسعه‌ی ناحیه‌ای و روستایی با ارائه‌ی دیدگاه‌ها و تئوری‌های خاص، هر کدام نابرابری‌های ناحیه‌ای و محلی را مطابق با موقعیت مکان و زمان خود مورد بررسی قرار می‌دهند.

1-Marxist and neo-Marxist theories
2-Poststructuralism
3-Postcolonialism
4-Postdevelopmentalism
5-Feminist theories of development

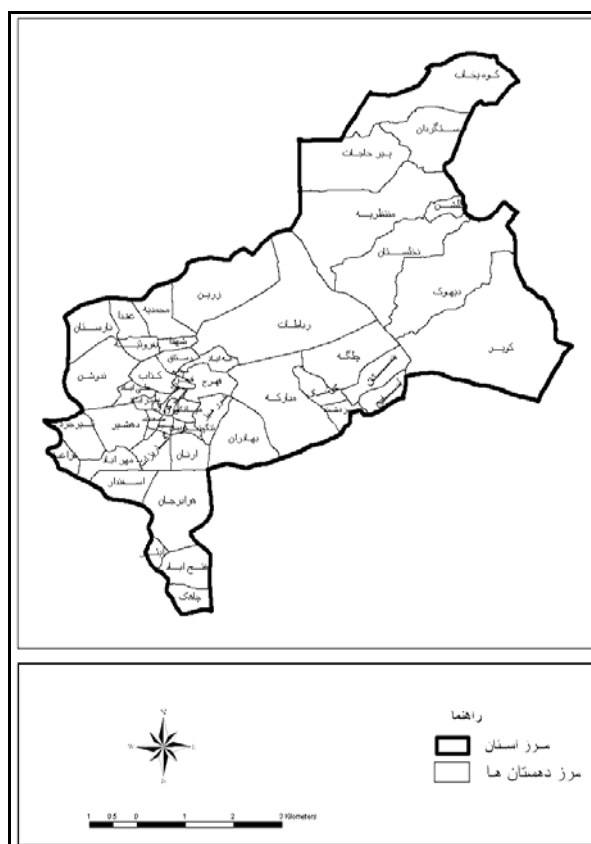
6-Mirdal
7-Pero
8-Jone Friedmann

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نوع "کاربردی" و روش بررسی آن توصیفی و تحلیلی است. جامعه‌ی آماری ۵۱ دهستان موجود در استان یزد می‌باشد. به منظور تعیین سطوح برخورداری نواحی روستایی استان با توجه به مسأله‌ی امکان دسترسی به داده‌های لازم، ۳۹ متغیر در زمینه‌های شاخص‌های زیربنایی، فرهنگی، ورزشی، آموزشی، اقتصادی و جمعیتی تعیین گردیده است. داده‌های مورد نیاز به وسیله‌ی مطالعات کتابخانه‌ای از فرهنگ آبادی‌های یزد جمع‌آوری گردیده، آنگاه با بهره‌گیری از مدل تحلیل عاملی به رتبه‌بندی دهستان‌ها مبادرت شده و سپس میزان نابرابری‌ها بررسی گردیده است.

محدوده‌ی مورد مطالعه

استان یزد با مساحتی حدود ۱۳۱۵۷۵ کیلومتر مربع در قسمت مرکزی فلات ایران جای دارد و ۴/۳۷ درصد از مساحت کشور را در بر می‌گیرد. این استان در ۲۹ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی بر روی کمربند خشک جهانی قرار گرفته است. استان یزد طبق آخرین تغییرات تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۵ دارای ۱۰ شهرستان، ۲۳ شهر، ۲۰ بخش و ۵۱ دهستان است. بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ جمعیت استان یزد برابر با ۹۹۰۸۱۸ نفر بوده که از این تعداد ۲۰۰۹۸۸ نفر یعنی ۲۰/۳ درصد در نقاط روستایی زندگی می‌کنند (استانداری یزد، ۱۳۸۹).



شکل ۱: نقشه دهستان‌های استان یزد

مأخذ: استانداری یزد

انجام شده است، نشان می‌دهد بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ در سطح شهرستان‌های استان، ۶/۶ درصد روستاها برخوردار، ۲۴/۳ درصد نیمه برخوردار و ۶۹/۱ درصد محروم می‌باشند. در بین شهرستان‌ها کمترین میزان روستاهای برخوردار در شهرستان یزد و بیشترین میزان در شهرستان میبد و سپس اردکان استقرار دارند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۱۹).

روند تحولات توسعه‌یافتگی نواحی روستایی استان
در مباحث برنامه‌ریزی توسعه‌ی ناحیه‌ای، وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است. بررسی این نابرابری‌ها نیازمند آگاهی یافتن از روند تحولات توسعه‌ای این نواحی در دوره‌های زمانی مختلف است. نتایج حاصل از مطالعه روند توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان یزد که در سطح نواحی روستایی در استان یزد

جدول ۱: متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	متغیر
درصد آبادی‌های دارای حمام عمومی	درصد آبادی‌های دارای برق
درصد آبادی‌های دارای سیستم تصفیه آب	درصد آبادی‌های دارای صندوق پست
درصد آبادی‌های دارای مراکز بهداشتی-درمانی	درصد آبادی‌های دارای شرکت تعاونی روستایی
تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	درصد آبادی‌های دارای وسیله‌ی نقلیه عمومی
تعداد پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	درصد آبادی‌های دارای مرکز خدمات جهاد کشاورزی
تعداد دندان‌پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	درصد آبادی‌های دارای مخابرات
درصد آبادی‌های دارای مراکز خانه بهداشت	درصد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین کشاورزی
درصد آبادی‌های دارای به وزز	درصد آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی
درصد آبادی‌های دارای بهداشتیاری	درصد آبادی‌های دارای نانوايي
درصد آبادی‌های دارای بهیاری	درصد آبادی‌های دارای دفتر پست
درصد آبادی‌های دارای کتابخانه	جمعیت دهستان‌ها
درصد آبادی‌های دارای مکان ورزشی	درصد آبادی‌های دارای سکنه
درصد آبادی‌های دارای مسجد	معکوس بعد خانوار
درصد آبادی‌های دارای توان دسترسی به روزنامه	تراکم نسبی جمعیت
درصد مردان شاغل	درصد باسوادی مردان
درصد زنان شاغل	درصد باسوادی زنان
درصد کل شاغلین	درصد باسوادی کل
معکوس زنان بیکار	درصد آبادی‌های دارای دبستان
معکوس مردان بیکار	درصد آبادی‌های دارای مدرسه راهنمایی
	درصد آبادی‌های دارای دبیرستان

مأخذ: نگارندگان

بحث و یافته‌ها

تحلیل عاملی اساساً برای کاهش متغیرها یا شناسایی ساختار متغیرها به کار می‌رود. هدف از کاهش داده‌ها^۱ در این پژوهش حذف متغیرهای اضافی (با همبستگی خیلی زیاد) از کل متغیرها است و هدف از شناسایی ساختار^۲ بررسی روابط پنهان بین متغیرها می‌باشد. در ادامه تحلیل‌ها و نتایج حاصل از آنها آورده شده است.

- تشکیل ماتریس داده‌ها

اولین مرحله تشکیل ماتریس داده‌ها می‌باشد. ماتریس داده‌ها عبارت است از جدولی که ستون‌های آن شامل متغیرها و سطرهاي آن شامل دهستان‌ها خواهد بود. در این مرحله ۵۱ دهستان در برابر ۳۸ متغیر تشکیل ماتریس مورد مطالعه را داده است. متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ آورده شده‌اند.

جدول ۱: متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	متغیر
درصد آبادی‌های دارای حمام عمومی	درصد آبادی‌های دارای برق
درصد آبادی‌های دارای سیستم تصفیه آب	درصد آبادی‌های دارای صندوق پست
درصد آبادی‌های دارای مراکز بهداشتی- درمانی	درصد آبادی‌های دارای شرکت تعاونی روستایی
تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	درصد آبادی‌های دارای وسیله نقلیه عمومی
تعداد پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	درصد آبادی‌های دارای مرکز خدمات جهاد کشاورزی
تعداد دندان پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	درصد آبادی‌های دارای مخابرات
درصد آبادی‌های دارای مراکز خانه بهداشت	درصد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین کشاورزی
درصد آبادی‌های دارای به وزز	درصد آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی
درصد آبادی‌های دارای بهداشتیاری	درصد آبادی‌های دارای نانوايي
درصد آبادی‌های دارای بهیار	درصد آبادی‌های دارای دفتر پست
درصد آبادی‌های دارای کتابخانه	جمعیت دهستان‌ها
درصد آبادی‌های دارای مکان ورزشی	درصد آبادی‌های دارای سکنه
درصد آبادی‌های دارای مسجد	معکوس بعد خانوار
درصد آبادی‌های دارای توان دسترسی به روزنامه	تراکم نسبی جمعیت
درصد مردان شاغل	درصد باسوادی مردان
درصد زنان شاغل	درصد باسوادی زنان
درصد کل شاغلین	درصد باسوادی کل
معکوس زنان بیکار	درصد آبادی‌های دارای دبستان
معکوس مردان بیکار	درصد آبادی‌های دارای مدرسه‌ی راهنمایی
	درصد آبادی‌های دارای دبیرستان

مأخذ: نگارندگان

جدول ۲: درجه اعتبار و سطح معناداری با استفاده از KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	.552	
Bartlett's Test of Sphericity	Approx Chi-Square	1.626
	Df	703
	Sig	.000

مأخذ: نگارندگان

- استخراج عامل‌ها

در مرحله‌ی سوم با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک و اهمیت نسبی هر یک از متغیرها معلوم می‌گردد. سپس بردارهای ویژه برای تمامی مقادیر ویژه غیر صفر محاسبه می‌گردد.

در روش تحلیل عاملی، عامل‌هایی برای تحلیل از اهمیت بالایی برخوردار بوده و دارای نقش مهم‌تری می‌باشند که مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک داشته باشند. بدین منظور از میان عامل‌های به دست آمده، آنهایی که دارای مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک بوده به عنوان عامل‌های اصلی انتخاب شده است.

در جدول ۳ میزان کل واریانس توضیح داده شده برای همه‌ی متغیرها آورده شده است.

نتایج آماری حاصل از اجرای مدل تحلیل عاملی بر اساس متغیرهای زیربنایی، فرهنگی، ورزشی، آموزشی، اقتصادی و جمعیتی، انجام شده است. معیار kmo و نتایج آزمون بارلت^۱ نشان می‌دهد؛ معیار kmo برابر با ۰/۵۵۲ می‌باشد که تأییدکننده‌ی مدل تحلیل عاملی و بیانگر مناسب بودن آن برای پژوهش است.

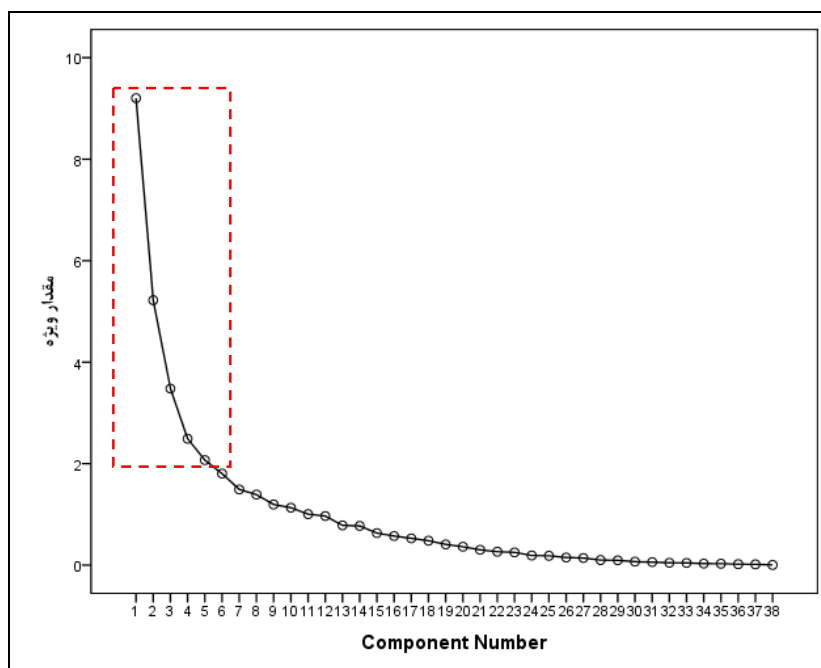
- محاسبه‌ی ماتریس همبستگی

با توجه به اینکه تحلیل عاملی از نوع R می‌باشد در مرحله‌ی بعد برای دانستن ارتباط درونی بین متغیرها از ماتریس همبستگی استفاده شده است که به دلیل حجم زیاد داده‌ها در اینجا آورده نشده است. استخراج عامل‌ها با استفاده از ماتریس همبستگی بین متغیرها به دست می‌آید که در مرحله‌ی بعد به آن پرداخته می‌شود.

جدول ۲: میزان کل واریانس توضیح داده شده برای همه متغیرها

مؤلفه	مقدار ویژه اولیه		
	مقدار ویژه	نسبت واریانس هر متغیر با عامل	نسبت واریانس هر متغیر با عامل (درصد تجمعی)
۱	۱۰/۹۱۴	۲۸/۷۲۱	۲۸/۷۲۱
۲	۸/۱۶۳	۲۱/۴۸۲	۵۰/۲۰۳
۳	۵/۷۲۶	۱۵/۰۶۸	۶۵/۲۷۱
۴	۳/۷۳۲	۹/۸۲۱	۷۵/۰۹۲
۵	۱/۸۷۱	۴/۹۲۴	۸۰/۰۱۶
۶	۰/۵۹۱	۱/۵۵۵	۸۱/۵۷۱
۷	۰/۵۹۰	۱/۵۵۳	۸۳/۱۲۴
۸	۰/۵۷۲	۱/۵۰۵	۸۴/۶۲۹
۹	۰/۵۷۰	۱/۵۰۰	۸۶/۱۲۹
۱۰	۰/۵۰۶	۱/۳۳۲	۸۷/۴۶۱
۱۱	۰/۵۰۵	۱/۳۲۹	۸۸/۷۸۹
۱۲	۰/۵۰۰	۱/۳۱۶	۹۰/۱۰۵
۱۳	۰/۴۸۴	۱/۲۷۴	۹۱/۳۷۹
۱۴	۰/۴۷۴	۱/۲۴۷	۹۲/۶۲۶
۱۵	۰/۴۳۲	۱/۱۳۷	۹۳/۷۶۳
۱۶	۰/۴۳۱	۱/۱۳۴	۹۴/۸۹۷
۱۷	۰/۳۲۹	۰/۸۶۶	۹۵/۷۶۳
۱۸	۰/۲۸۲	۰/۷۴۲	۹۶/۵۰۵
۱۹	۰/۲۰۹	۰/۵۵۰	۹۷/۰۵۵
۲۰	۰/۲۰۳	۰/۵۳۴	۹۷/۵۸۹
۲۱	۰/۲۰۲	۰/۵۳۲	۹۸/۱۲۱
۲۲	۰/۱۶۶	۰/۴۳۷	۹۸/۵۵۸
۲۳	۰/۱۵۱	۰/۳۹۷	۹۸/۹۵۵
۲۴	۰/۰۹۱	۰/۲۳۹	۹۹/۱۹۵
۲۵	۰/۰۸۵	۰/۲۲۴	۹۹/۴۱۸
۲۶	۰/۰۵۱	۰/۱۳۴	۹۹/۵۵۳
۲۷	۰/۰۴۱	۰/۱۰۸	۹۹/۶۶۱
۲۸	۰/۰۳۹	۰/۱۰۳	۹۹/۷۶۳
۲۹	۰/۰۳۷	۰/۰۹۷	۹۹/۸۶۱
۳۰	۰/۰۲۰	۰/۰۵۳	۹۹/۹۱۳
۳۱	۰/۰۰۸	۰/۰۲۱	۹۹/۹۵۳
۳۲	۰/۰۰۷	۰/۰۱۸	۹۹/۹۵۳
۳۳	۰/۰۰۵	۰/۰۱۳	۹۹/۹۶۶
۳۴	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	۹۹/۹۷۶
۳۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۹۹/۹۸۴
۳۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۹۹/۹۹۲
۳۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۹۹/۹۹۷
۳۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۱۰۰/۰۰۰

مأخذ: نگارندگان



شکل ۲: نمودار Scree Plot متغیرها که نشان‌دهنده‌ی مقدار ویژه عامل‌های اصلی در شیب تند نمودار می‌باشند.
مأخذ: نگارندگان

درصد از تغییرپذیری در پنج عامل اصلی توضیح داده شده است. بنابراین به‌طور معنی‌داری می‌توان پیچیدگی مجموعه‌ی متغیرها را با استفاده از این پنج عامل، با از دست دادن فقط ۱۹/۹۸۴ درصد از متغیرها کاهش داد.

در ادامه برای تعیین تعداد بهینه عامل‌ها از نمودار Scree Plot استفاده شده است. مقدار ویژه هر عامل در حل اولیه به صورت شکل ۲ آمده است. عامل‌های اصلی در شیب تند نمودار مشخص شده‌اند. عامل‌های استخراج شده مجموعاً ۸۰/۰۱۶ درصد واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کنند. یعنی ۸۰/۰۱۶

جدول ۳: بارهای عاملی اصلی و مقدار واریانس توضیح داده شده برای هر عامل قبل از دوران

مجموع مجذورات بارهای عاملی قبل از دوران			عامل
درصد تجمعی واریانس تبیین شده	درصد از کل واریانس	کل	
۲۸/۷۲۱	۲۸/۷۲۱	۱۰/۹۱۴	۱
۵۰/۲۰۳	۲۱/۴۸۲	۸/۱۶۳	۲
۶۵/۲۷۱	۱۵/۰۶۸	۵/۷۲۶	۳
۷۵/۰۹۲	۹/۸۲۱	۳/۷۳۲	۴
۸۰/۰۱۶	۴/۹۲۴	۱/۸۷۱	۵

مأخذ: نگارندگان

- دَوْران عامل‌ها

توضیح داده شده با عامل‌های استخراجی را تغییر نمی‌دهد. اما باعث تغییر (با یکنواختی بیشتری) در میزان هر یک از عامل‌ها می‌شود. تغییر در کل واریانس تبیین شده هر عامل موجب تفسیر راحت‌تر نیز خواهد شد.

برای رسیدن به حالت مطلوب عامل‌ها را دَوْران می‌دهند تا ساختار ساده‌ای به دست آید. از میان روش‌های دوران عامل‌ها از روش واریمکس استفاده شده است. چرخش عامل‌ها، درصد تجمعی تغییر

جدول ۴: بارهای عاملی اصلی و مقدار واریانس توضیح داده شده برای هر عامل بعد از دَوْران

عامل	مجموع مجذورات بارهای عاملی بعد از دوران		
	درصد از کل واریانس	درصد تجمعی واریانس تبیین شده	کل
۱	۲۵/۲۲۱	۲۵/۲۲۱	۹/۵۸۴
۲	۱۹/۷۱۸	۴۴/۹۳۹	۷/۴۹۳
۳	۱۷/۰۵۷	۶۱/۹۹۶	۶/۴۸۲
۴	۱۳/۰۱۸	۷۵/۰۱۴	۴/۹۴۷
۵	۵/۰۰۲	۸۰/۰۱۶	۱/۹۰۱

مأخذ: نگارندگان

جدول ۵: عامل‌های اصلی و متغیرهای مربوطه

عامل	متغیر
عامل اول (خدمات عمومی)	درصد آبادی دارای کتابخانه، درصد آبادی‌های دارای مرکز خدمات، درصد آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی، درصد آبادی‌های دارای صندوق پست، درصد آبادی‌های دارای مخابرات، درصد آبادی‌های دارای مکان ورزشی، درصد آبادی‌های دارای وسیله نقلیه، درصد آبادی‌های دارای دفتر پست، درصد آبادی‌های دارای توان دسترسی به روزنامه.
عامل دوم (جمعیتی)	درصد زنان باسواد، معکوس زن بیکار، درصد آبادی‌های دارای برق، درصد آبادی‌های دارای نانویی، درصد آبادی‌های دارای دبیرستان، تراکم نسبی جمعیت، درصد آبادی‌های دارای دبستان، درصد آبادی‌های دارای مدرسه راهنمایی.
عامل سوم (بهداشتی)	درصد آبادی‌های دارای بهداشتیار، معکوس بُعد خانوار، درصد آبادی‌های دارای سکنه، درصد آبادی‌های دارای مراکز خانه بهداشت، درصد آبادی‌های دارای بهیار.
عامل چهارم (درمانی)	درصد آبادی‌های دارای مراکز بهداشت، تعداد پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد دندان پزشک به ازای هر ۱۰۰ نفر، درصد آبادی‌های دارای به‌ورز، تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر.
عامل پنجم (تأسیسات و تجهیزات)	درصد آبادی‌های دارای مسجد، درصد مردان باسواد، درصد مردان شاغل، درصد زنان شاغل، معکوس مرد بیکار، درصد آبادی‌های دارای شرکت تعاونی، درصد آبادی‌های دارای سیستم تصفیه آب، درصد آبادی‌های دارای حمام عمومی، درصد آبادی‌های دارای تعمیرگاه مکانیکی، درصد کل شاغلین، درصد باسواد کل.

مأخذ: نگارندگان

رتبه‌بندی دهستان‌ها

در آخرین مرحله بعد از انجام کلیه موارد فوق، با استفاده از روش استاندارد کردن، امتیاز عاملی هر دهستان به دست آمده است.

۱ - روش استاندارد کردن

$$Z = \frac{X_i - \bar{X}}{\delta}$$

بعد از به دست آوردن امتیاز عاملی همه‌ی دهستان‌ها، با توجه به شرایط تحقیق، دهستان را بر اساس قاعده‌ی اصلاح‌شده‌ی استورجس به ۹ طبقه تقسیم کرده:

۲ - قاعده‌ی اصلاح شده استورجس

$$k = 1.2 \log R + 4 \log N$$

$$N = 51 \quad R = 9.13 \quad K = 8$$

در مورد فاصله طبقات از طریق روش فواصل ثابت طبقات، فاصله‌گذاری شده است و نتیجه به صورت جدول ۷ و شکل ۳ آورده شده است.

۳ - روش فواصل ثابت طبقات

$$H = R/K \quad H = 1.01$$

با توجه به جدول ۵؛ از آنجا که، عامل اول با مقدار ویژه ۹/۵۸۴ به تنهایی ۲۵/۲۲۱ درصد واریانس را توضیح می‌دهد، بنابراین به عنوان بهترین عامل معرفی می‌گردد. چرا که با توجه به این خصایص، این عامل را می‌توان به عنوان شاخص کلی توسعه معرفی نمود.

عامل دوم؛ با مقدار ویژه ۷/۴۹۳، حدود ۱۹/۷۱۸ درصد واریانس را توضیح می‌دهد و عامل سوم؛ با مقدار ویژه ۶/۴۸۲، ۱۷/۰۵۷ درصد واریانس را توضیح می‌دهد، عامل چهارم؛ با مقدار ویژه ۴/۹۴۷، ۱۳/۰۱۸ درصد واریانس را توضیح می‌دهد، عامل پنجم؛ با مقدار ویژه ۱/۹۰۱، ۵/۰۰۲ درصد واریانس را توضیح می‌دهد.

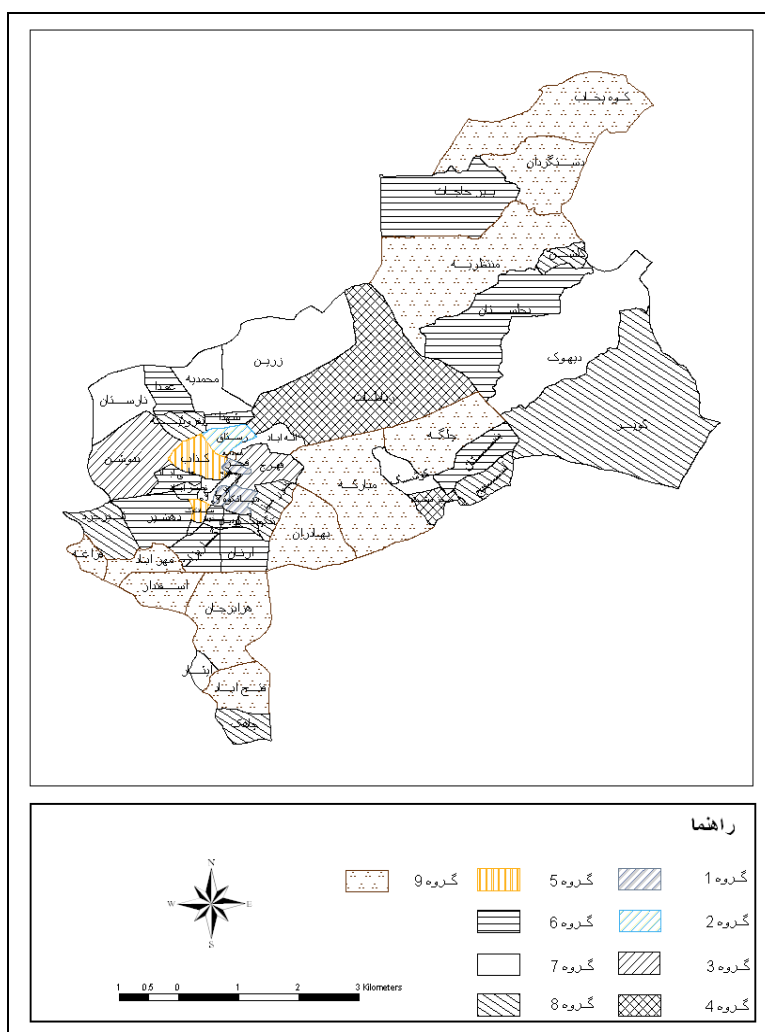
- نام‌گذاری عامل‌ها

در نهایت با توجه به میزان همبستگی هر یک از متغیرها، می‌توان اسامی یا عناوین مناسبی را برای هر یک از آنها انتخاب نمود. در جدول ۶ عناوین عامل‌ها آورده شده‌اند و با عناوین عامل خدمات عمومی، عامل جمعیتی، عامل بهداشتی، عامل درمانی و عامل تأسیسات و تجهیزات نام‌گذاری شده‌اند.

جدول ۷: وضعیت دهستان‌های استان یزد در گروه‌های مختلف از نظر سطوح توسعه

گروه	نام دهستان	تعداد	درصد	سطح توسعه
۱	شیرکوه، میان‌کوه، فجر	۳	۵/۸۸	فرا توسعه
	رستاق	۱	۱/۹۶	
	ندوشن، فهرج	۲	۳/۹۲	
۲	سبزدشت، رباطات	۲	۳/۹۲	میان توسعه
	کذاب، بنادکوک	۲	۳/۹۲	
	عقدا، نصرآباد، نخلستان، کهدوئیه، علی‌آباد، بنستان، گاریزات، شهدا زردین، سخوید، دهشیر، ارنان، پیرحاجات	۱۳	۲۵/۴۹	
۳	اله‌آباد، پیشکوه، دیهوک، محمدیه، کوشک، ایثار، زرین، نارستان	۸	۱۵/۶۹	فرو توسعه
	گلشن، تیرجرد، آسفنج، چاهک، کویر، تنگ‌چنار، خورمیز، بغروئیه	۸	۱۵/۶۹	
	محمدآباد، مبارکه، منتظریه، فتح‌آباد، کوه یخاب، هرابرجا دستگردان، فراغه، مهرآباد، بهادران، اسفندار، چلگه	۱۲	۲۳/۵۳	
جمع	—	۵۱	۱۰۰	—

مأخذ: نگارندگان



شکل ۳: نقشه سطح‌بندی توسعه‌ی نواحی روستایی استان یزد

مأخذ: نگارندگان

نتیجه و راهکارها

مطالعه و مقایسه‌ی دهستان‌ها در ایران در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و فضایی می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران روستاها را در اتخاذ تصمیمات و اجرای برنامه‌های مناسب در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، یاری رساند. در این پژوهش، با بررسی دهستان‌های استان یزد از نظر متغیرهای مورد مطالعه نتایج و یافته‌های زیر حاصل گردیده است:

نتایج و یافته‌های حاصل از رتبه‌بندی دهستان‌های مختلف از نظر سطوح توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۸۵، نشان‌دهنده‌ی آن است که: رتبه‌بندی دهستان‌های مختلف از نظر سطوح توسعه‌یافتگی، نشان‌دهنده‌ی آن است که: دهستان‌های استان یزد از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی از سطح متعادلی برخوردار نیستند به طوری که ۸۰/۴ درصد دهستان‌ها در گروه‌های ۶، ۷، ۸، و ۹، و فقط ۱۹/۶ درصد دهستان‌ها در ۵ گروه اول قرار دارند. در بین این دهستان‌ها، دهستان‌های شیرکوه،

منابع

- ۱- اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ حسن جواهری (۱۳۸۵). تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال بیست و یکم. شماره ۸۲. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲- امینی‌نژاد، غلامرضا؛ حسن بیک‌محمدی؛ سیدحسن حسینی‌ابری (۱۳۸۷). تحلیل درجه‌ی توسعه‌یافتگی دهستان‌های حوزه‌ی تأسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر، فصلنامه روستا و توسعه. سال یازدهم. شماره ۳. انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی-وزارت جهاد کشاورزی.
- ۳- آسایش، حسین (۱۳۷۴). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی، چاپ اول. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۴- بختیاری، صادق؛ مجید دهقانی‌زاده؛ سیدمجتبی حسین‌پور (۱۳۸۵). بررسی جایگاه استان‌های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی، مجله دانش و توسعه. شماره ۱۹. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۵- تقوایی، مسعود (۱۳۸۵). طبقه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور بر اساس شاخص توسعه انسانی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۸۲. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۶- تقوایی، مسعود؛ علیرضا زارع‌شاه‌آبادی؛ عبدالنور باغبان‌رو (۱۳۸۲). سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان یزد با تأکید بر شاخص جمعیتی، فصلنامه فرهنگ یزد. سال پنجم. شماره ۱۶ و ۱۷. انتشارات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد.
- ۷- تودارو، مایکل (۱۳۶۴). توسعه‌ی اقتصادی در جهان اسلام، ترجمه غلامعلی فرجادی. چاپ اول. انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۸- حسین‌زاده‌دلیر، کریم (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت.

میانکوه و فجر دارای بیشترین سطح توسعه‌یافتگی هستند که در گروه یک قرار دارند و دهستان‌های دستگردان، فراغه، مهرآباد، بهادران، اسفندار و چلگه، دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی هستند و در گروه ۹ جای می‌گیرند. از طرفی نتایج حاصل نشان می‌دهد که سه دهستان شیرکوه، میانکوه و فجر که دارای بیشترین سطح توسعه‌یافتگی هستند در فاصله‌ی خیلی نزدیکی نسبت به مرکز اصلی شهرستان‌های تفت، مهریز و یزد قرار دارند و این امر نشان می‌دهد که طبق نظریه‌ی مرکز - پیرامون هرچه فاصله به مرکز نزدیک‌تر باشد درجه‌ی توسعه‌یافتگی بیشتر و هر چه فاصله دورتر باشد سطح توسعه‌یافتگی پایین‌تر است.

برای دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای در مناطق روستایی استان می‌بایست نوعی سیاست عدم تمرکز در ارائه‌ی خدمات روستایی، انجام سرمایه‌گذاری‌های نوین، ایجاد زیرساخت‌ها و... مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران ارشد استان قرار گیرد. در این خصوص توجه به وضعیت توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان (با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه) جهت هر نوع اقدام محرومیت‌زدایی ضروری است. در راستای دستیابی به توسعه‌یافتگی روستاهای استان و جلوگیری از مهاجرت از روستاها به شهرهای این استان، توسعه‌ی صنایع روستایی، توسعه‌ی گردشگری روستایی و رفع مشکلات بخش زراعت و دامپروری، ضروری است.

در مجموع با توجه به عوامل مؤثر در سطوح برخورداری نواحی روستایی استان و در راستای توسعه و برخورداری هماهنگ و یکپارچه این نواحی، علاوه بر ضرورت تمرکززدایی در سطح کلان، تقویت مراکز شهری کوچک و مراکز روستایی، ایجاد و تقویت کانون‌های توسعه در نواحی محروم و کمتر برخوردار، ایجاد محورهای جدید توسعه در سطح استان و همچنین تقویت محورهای ضعیف موجود نقش مؤثری در این فرایند خواهند داشت.

- ۹- حکمت‌نیا، حسن؛ میرنجف موسوی (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، چاپ اول. انتشارات علم نوین.
- ۱۰- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱). سنجش درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تحلیل تاکسونومی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران. شماره ۱۶۳-۱۶۲. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲). تعیین و تحلیل بر خورداری نواحی روستایی استان زنجان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۵۱. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حسن ایزدی خرامه، (۱۳۸۰). تحلیلی بر رویکرد مکان‌یابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی: بررسی تطبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی و مدل تخصیص مکانی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال شانزدهم. شماره ۳. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۳- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ محسن آقایی (۱۳۸۶). سطح‌بندی پایداری توسعه‌ی روستایی، مطالعه موردی بخش هیر، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۶۱. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- روزبهان، محمود (۱۳۷۸). مبانی توسعه اقتصادی، چاپ اول. انتشارات تابان.
- ۱۵- زیاری، کرمت‌اله (۱۳۸۵). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ چهارم. انتشارات دانشگاه یزد.
- ۱۶- زیاری، کرمت‌اله؛ علیرضا زارع‌شاه‌آبادی (۱۳۸۰). سنجش درجه توسعه‌یافتگی نواحی روستایی استان یزد، فصلنامه جغرافیا و توسعه. شماره ۱۳. انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۱۷- زیاری، کرمت‌اله؛ اسحاق جلالیان (۱۳۸۷). مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه، فصلنامه جغرافیا و توسعه. شماره ۱۱. انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۱۸- سرخ‌کمال، کبری (۱۳۸۷). سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی و جایگاه شهرستان قوچان در بین شهرستان‌های استان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد.
- ۱۹- صادقی، حسین؛ سولماز عبدالهی حقی؛ لیلا عبدالله‌زاده (۱۳۸۶). توسعه انسانی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ششم. شماره ۲۴. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - گروه پژوهشی رفاه اجتماعی تهران.
- ۲۰- طالبی، هوشنگ؛ علی زنگی‌آبادی (۱۳۸۰). تحلیل شاخص‌ها و تعیین عوامل مؤثر در توسعه‌ی انسانی شهرهای بزرگ کشور، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۶۰. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۱- قاسمی، شمسی؛ احمد پرخنده (۱۳۸۲). تحلیل شاخص توسعه انسانی در آخرین گزارش ۲۰۰۳ سازمان عمران ملل متحد و جایگاه ایران، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد تهران.
- ۲۲- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۵). اقتصاد رشد و توسعه، چاپ اول. انتشارات نی تهران.
- ۲۳- کلانتری، خلیل؛ هوشنگ ابروانی؛ محمد وفای‌نژاد (۱۳۸۱). سنجش سطح توسعه روستایی در شهرستان تربت حیدریه ۱۳۷۹-۱۳۶۵، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۴۴. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۴- معصومی اشکوری، حسن (۱۳۷۰). اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ اول. انتشارات سازمان برنامه و بودجه گیلان.
- ۲۵- مولایی، محمد (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال شانزدهم. شماره ۱۶. انتشارات جهاد کشاورزی تهران.

- 33- klanari.khalil) 1998)identification of backward regionin Iran, quarterly journal of geophical research.13:1.
- 34- Noorbakhsh, Farhad (2003). Human development and regional Disparity in India, University of Glasgow.
- 35- Pual P.streeten (1999). Boston University, Economic Development in thee third world, BostonnUniversity .
- 36- Sharama,Bimal (2004). Regional disparities in agricultural labour Productivity in the Brahmaputra Valley, Assam, India, Department of Geography, Gauhati University.
- 37- Ulrich, R (2003). Effects of intraregional disparities on regional development in China: inequality decomposition and panel data analysis, Nagoya- University, Nagoya,Japan.
- 38- Zhang, Xiaobo and Shenggen Fan (2004). Public investment and regional inequality in rural China, Agricultural Economics 30.
- 39- <http://ostanyazd.ir> پایگاه اینترنتی استانداری یزد
- 26- Al-Hassan, Ramatu M (2007). Regional disparities in Ghana: policy options and public invetment implications, University of Ghana, Xinshe Diao, International Food Policy Research Institute.
- 27- Bhatia, V.K. & S.C. Rai (2004). Evaluation of socio-economic development in small areas, New Dehli.
- 28- Clark, D (2000). Urban World .Global City, Routledge, London.
- 29- David J.A. Douglas (2005). The restructuring of local government in rural regions:A rural development perspective, Journal of Rural Studies 21.
- 30- Erniel B. Barrios (2008). Infrastructure and rural development:Household perceptions on rural development, Progress in Planning 70.
- 31- J. Adinarayana, S. Azmi, G. Tewari, D. Sudharsan (2008). A distributed collaboration model for rural development planning, computers and electronics in agriculture 62.
- 32- Joao, Oliveria Soares; Manuela Lourenco Marques; Carloes Manuel & Ferreira Monterio (2001). A multivariate methodology to uncover regional disparities: a contribution to improve European Union and Governmental Decisions.